

مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران

(قسمت اول)

نوشته: دکتر رضا آبریلو

(علل و انواع آن)

مقدمه

صرف وقت و انرژی و هزینه و ساج بی اثر و با برخلاف انتظار ، نتیجه دیگری ندارد .

به قسمت مقاله حاضر فقط بخش معسی از مجموعه نظریات راجع به « مهاجرت از روستاها به شهرها را در ایران » عرصه می‌کند و با رعایت طرفیت تشریح ، تا حد ممکن به اختصار تهیه گردیده است و به همین سبب برخی از مسائل و موارد ضروری حذف شده و یا فرضی جز اشاره کوتاه یافته‌اند ، امیدوار است تا در حد خود نتواند در برابر پیش‌داوری‌های ناسالم و ساده‌گویی‌های بد فرجام این موضوع ، اندیشه‌ساز باشد و برای درک صحیح علل و انواع مهاجرتها و ارزش تأثیر و مکانیسم‌های عملی آنها در ساحه‌های متفاوت اقتصادی - اجتماعی مناطق مختلف کشور ، مؤثر واقع شود و در عین حال توجه خوانندگان را به پیچیدگی این موضوع جلب نماید تا صرفاً « با انگه » به اطلاعات محدودی که از این طریق عرصه می‌شود و اطلاعات مخدوسی که در جریان است از پذیرفتن مسئولیت‌های برنامه ریزی و سفارشات کارشناسی خودداری نمایند .

امید دیگر آنکه با ارتباطی که از طریق این رشته با معلمان و محققین این رشته برقرار می‌شود ، مسائل اشاره شده مورد بحث قرار گیرند و با انتشار بخشهای دیگر آن ، مجموعه این نظریات در امور تحقیقاتی و کاربردی این رشته سودمند افتد و به نفع انسان محروم مهاجر روستائی کشورمان مورد بهره‌گیری قرار گیرد .

تغییرات پر شتاب اجتماعی ، ضرورت شناخت این تغییرات را موجب می‌شود ، وگرنه بدون این شناخت هم به رشد خود ادامه خواهند داد . مهاجرت از روستاها به شهرها سبب از این مقوله است . تاکنون چشمهای بسیاری در برابر این واقعه مهم بسته مانده‌اند ، اما امواج باند جمعیت مهاجر روستائی ، که بر دروازه‌های حوزه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور می‌کوبند ، عظیم‌تر از هر گونه انگار و بی‌توجهی هستند . بطوریکه می‌توان پیش‌بینی کرد در آینده‌ای نه چندان دور ، مهاجرت ، موجودیت خود را بقبولاند و در تعیین خطوط اساسی سیاست اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور جای مناسب خود را بگشاید و راه برای عرضه اندیشه در این موضوع هموار گردد .

اگر بپذیریم که برخی از بدهی‌های اجتماعی به جهت بدهی شمرده شدنشان ناشناخته باقی می‌مانند ، مهاجرت نیز از این واقعیت‌هاست . از آن نظر که نتایج حاصل از این شدن اجتماعی ظاهراً " برای جرم جسم بیبا قابل رویت است ، زبانهای فراوانی را برای بحث در حواشی این موضوع مشغول کرده است ، ولی چون اکثر این موضوعات ، حاشیه‌ای و بر پایه شایعات ، اطلاعات بی‌اساس و همانند آنها ، ساخته و یا نقل قول می‌شوند و بخشهای واقعی آن نیز با ساده‌انگاری و کوچک و بزرگ‌نمایی ، دهان به دهان و قلم به قلم می‌گردند ، در مجموع به اطلاعات ظاهراً " بدیهی ولی واقعا " نامصحیح و مخدوش تبدیل می‌شوند که نه تنها بی‌نفسه غیر واقعی‌اند ، بلکه وقتی هم به اقداماتی منتج می‌شوند ، جز

مهاجرت از روستا به شهر، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، معلول عللی چند است. این علل و چگونگی تأثیر آنها به طور نامنظم، گاه به صورت اظهارنظر و زمانی در حاشیه موضوعات مناسب و نامناسب به صورت گفتار و نوشتار نام برده شده‌اند. در واقع موضوع مهاجرت در ایران، عموماً "و مهاجرت از روستا به شهر، خصوصاً"، تا کنون به طور یکپارچه و منسجم بررسی نشده و البته که چنین امری بدون علت نبوده است.

حمیت شناسان، صاحب‌نظران آمار و جغرافیای انسانی، کارشناسان امور شهری و روستایی، سیاستمداران و برنامه‌ریزان به طور کلی هر آنکه با مسائل اجتماعی سروکار دارد، هر کدام از دیدی معین، نسبت به موضوع مهاجرت توجه کرده‌اند، بدون آنکه به توضیح چگونگی این واقعه بپردازند و یا خود را موظف به چنین کاری بدانند. در واقع، حداکثر فایده، این اظهارنظرها، آن بوده که بر واقعیت پیچیده و غریب مهاجرت تأکید کرده و آن را به محصول تصادفی امور، بلکه تابع علل و انگیزه‌هایی معین معرفی نموده‌اند.

مراجعه به کتب و نشریاتی که از مهاجرت حرفی به میان آورده‌اند، شنیدن نظریاتی که در جامعه رواج دارد و نگاهی ولو گذرا به نظریات مندرج در مطبوعات، نشریات و جزوات دانشگاهی ایران نشان می‌دهند که این نظریات با آنکه به اموری متفاوت نظر دارند و هر کدام نسبت به زمینه‌های فکری و تجربی و ایجاب‌های شفلی و حرفه‌ای خود، عناصری از تفاوت بین شهر و روستا را عمده می‌سازند و اندیشه و نظر آنان از عدم درک قوانین اجتماعی تا آگاهی نسبی از دوره و یا دوره‌هایی از پدیده مهاجرت، طیفی گسترده را تشکیل می‌دهد، تماماً "حول یک نظریه مرکزی (تفاوتها) جمع شده‌اند و مهاجرت از روستا به شهرها را، در هر زمان و مکان، محصول مستقیم تفاوتها می‌دانند. هیچ یک، از عملکرد عناصر متفاوت در شهر و روستا و منشاء این تفاوتها سخنی به میان نمی‌آورند و در عین حال به ارزش تأثیر هر کدام از تفاوتها و اصلی و فرعی بودن آنها و استخراج نتایج و طبقه‌بندی و تحلیل آنها واقف نیستند و به شرایط متغیر و متفاوت اجتماعی بی‌توجهی نشان می‌دهند و در واقع، تابع منظومه‌ای از باورها و عملکردها و روشهای پژوهشی مشابهی هستند که مجموعه این دیدگاهها را به جهت عمده‌توان مطلق کردن تفاوتها در مهاجرت "نظریه تفاوتها" خواهیم خواند.

راستی این باور، که مهاجرت محصول تفاوت بین شهر و روستاست، تا چه اندازه واقعی است و اصولاً چگونه ساخته و پرداخته شده است و چرا و چگونه ذهن و اندیشه بسیاری از دانشمندان، دست اندرکاران، معلمان و حتی مردم کوچه و بازار را بر کرده است و به نظریه‌ای فراگیر و عام بدل شده است؟

پیش از آنکه به این سؤال پاسخ دهیم، بهتر است یادآوری کنیم: در صورتی که چنین باوری داشته باشیم ضرورتاً باید مجموعه اطلاعات ما، اولاً، به عنوان یک سیستم فکری و یا "نظریه تفاوتها"، اوضاع کنونی و تحولات مهاجرتی را تعیین و تحلیل نماید و به سئوالات موجود پاسخ دهد، ثانیاً، روشهایی برای تحقیق در این زمینه داشته باشد، و ثالثاً، امکانات کنترل مهاجرت را برشمارد، طرح تجربی پیشنهاد نماید و روند آن را شرح دهد و بخصوص به طور عینی به وسیله نتایج تجربی، خود را توجیه و اثبات نماید.

متأسفانه، نه تنها در این امور موفقیتی حاصل نشده و داده‌های تجربی بر علیه این نظریه‌اند، بلکه هنوز خود این نظریه به طور صریح تعریف نشده است، زیرا بدیهی شمردن اینکه تفاوتها موجود بین شهر و روستا در منشاء یا ابعاد و جهت مهاجرتها اثر دارند و حتی در مواردی اثر مهم دارند و این اثر مشروط به امور و شرایطی است، یک چیز است ولی ابراز این باور که مهاجرت فقط و فقط محصول تفاوتهاست، چیز دیگری است.

اگر نظر اول را از این باور جدا ساخته و عمده نمائیم، در آن صورت، سئوالات بعدی به این ترتیب خواهند بود:

- ۱- تفاوتها با چه ترکیب و شکل در مهاجرت اثر می‌گذارند؟
- ۲- کدام یک از عناصر آن اصلی و کدام فرعی‌اند و یا در شرایط گوناگون، جایگاه ارزشی تفاوتها چگونه تغییر می‌یابد؟
- ۳- کدام یک از تفاوتها به طور مستقل و فارغ از پیش شرطهای اقتصادی و اجتماعی اثر بخش است و کدام فقط در شرایط معین می‌تواند مؤثر واقع شود؟
- ۴- در شرایط گوناگون اجتماعی، این عوامل در چه مرحله‌ای از مهاجرت - منشاء، مبداء، جهت، مقصد و کارکرد - تعیین کننده‌اند؟
- ۵- این شرایط گوناگون اجتماعی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند؟

۶- مکانیسم تأثیر چگونه است؟

به نظر ما بررسی علل مهاجرت تا بدین‌جا نیانجامیده، نمی‌تواند علمی و قانون‌مند و در نتیجه قابل تطبیق با نمودهای تجربی باشد.

اما اگر شق دوم مورد نظر باشد، یعنی اگر بپذیریم که مهاجرت صرفاً "محصول تفاوت بین شهر و روستاست، در آن صورت نیز پاسخ به دسته‌ای دیگر از پرسشها ضروری می‌نماید:

۱- اگر مهاجرت محصول تفاوت بین شهر و روستاست، چرا این دو از نظر زمانی به طور موازی رشد نکرده‌اند؟

می‌دانیم که نابرابری و تفاوت بین شهر و روستا، امری قدیمی است و از موقعی که شهر و روستا پدید آمده و به هم متکی شده‌اند و رابطه بده و بستان بین آنها برقرار شده، در رابطه با جذب

مازاد محصول روستائی، شهرها، قدرت، ثروت، رفاه، تقسیم کار و مشاغل تولید مادی و هنری و به طور کلی امکانات مطلوب تری نسبت به روستاها کسب کرده اند، ولی مهاجرت - به مفهومی که امروز از آن شناخت داریم - پدیده‌ای جدید است.

۲- چرا این پدیده در بخشی از زمان گذشته ناچیز بوده است؟

۳- چرا در طول زمان به تعداد مهاجرین افزوده شده، بدون آنکه دلایل قطعی برای افزایش تفاوتها داشته باشیم؟

۴- چرا در مرحله‌ای از زمان، این پدیده ابعاد وسیع یافته و با جهش‌های کمی و کیفی زور گرفته است؟ ملاحظه می‌شود که حتی اگر ثابت شود تفاوت‌های بین شهر و روستا افزایش یافته و این افزایش، تغییر روند مهاجرت را سبب شده است، در آن صورت نیز سؤال زیر مطرح است:

۱- چرا با وجود وابستگی بلاشروط بین تفاوتها و مهاجرت، و با وجود چنین تفاوت‌های عظیم، هنوز بخش مهمی از جمعیت، کماکان ساکن روستاها باقی مانده‌اند و این علل «لازم و کافی» بر آنان بلااثر بوده است؟

۵- از آن نظر که خدمات و امکانات کشور در سطح ملی یا منطقه‌ای و حداقل ناحیه‌ای به طور مشابه توزیع می‌شوند، چرا نسبت مهاجرین به جمعیت و یا منطقه، در نقاط مختلف کشور و حتی بخش‌های مختلف یک استان و شهرستان متفاوتند؟

می‌بینیم که ادامه طرح این موضوع، نهایتاً به زنجیره‌ای طولانی از سئوالات منجر می‌شود که هیچ کدام وسیله «نظریه» - تفاوتها « پاسخی صریح، روشن و منطقی نمی‌یابند، جز آنکه آن را به حوادث پراکنده، تفاوت‌های بی‌شمار و بی‌ربط و قضا و قدرهای اجتماعی نسبت دهند و در مواردی مهاجرت را پدیده‌ای غیرقابل درمان فرض نمایند و یا ناباورانه، به اعمالی بی‌نتیجه برای تسکین و یا ترغیب آن دست بزنند.

به نظر ما، مهاجرت با تفاوت بین شهر و روستا به طور مشروط در ارتباط است، تا به اندازه‌ای که نه می‌توان این تأثیرات را انکار کرد و نه می‌توان در بررسی این پدیده به آنها بهانه نداد. اما اگر مهاجرت را فقط و فقط محصول تفاوت شهر و روستا بدانیم و یا فکر کنیم که هر تفاوتی در هر شرایط باعث نقل مکان انسان روستائی می‌شود، در آن صورت انسان را به موجودی صرفاً «غریزی» تنزل داده‌ایم. در حالیکه می‌دانیم، انسان در روبرو شدن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی، با فقر و نداری، گرسنگی و مرض، حوادث طبیعی و رویدادهای نامطلوب و عدم ایمنی‌ها، واکنش‌های خاص خود را دارد. واکنش او انسانی، و از آن سبب اجتماعی و گروهی است. هر مشکلی او را از زادگاهش نمی‌راند و هر موقعیت مناسب او را جذب نمی‌کند و در بافت فرهنگی محل سکونت خود دارای ارتباطاتی پایدار است و با عواطف خانوادگی و خویشاوندی، اعتقادات دینی، سنت‌های خاص، ارزش‌های اجتماعی، عرف و

عادت و مقدورات اقتصادی به روستا دوخته شده و کنده شدن از این بافت پیچیده، عوامل و سبب‌های خاص خود را دارد و هر چه این بافت تغییر می‌یابد میزان و نحوه تأثیر این عوامل نیز تغییر می‌کند. از این نظر، ضمن آنکه بر تأثیر تفاوتها تأکید داریم، اضافه می‌کنیم که اثر تفاوتها در مهاجرت، مکانیکی، یعنی بدون نیاز به زمینه‌های مساعد و شرایط لازم، فواگیر، یعنی مؤثر در هر شرایط اجتماعی، هم اندازه، یعنی دارای عملکرد یکسان در انواع مهاجرتها، و یک جهتی، یعنی همیشه تسکین دهنده و یا ترغیب کننده جریان مهاجرت نیست، از این نظر تهیه فهرست‌های مختلف از تفاوت بین شهر و روستا و ارائه آنها به مجریان برنامه‌ها، به عنوان نسخه‌های شفابخش، فاقد هرگونه ارزش علمی و عملکرد اجرایی است.

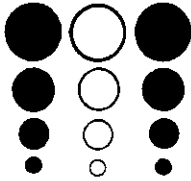
نباید فراموش کرد که در ایران و اکثر کشورهای جهان سوم، اینگونه نسخه نویسی‌ها، بارها و بارها تکرار شده ولی متأسفانه اجرای آنها نه تنها مهاجرت را متوقف نکرده بلکه در مناطق مختلف و شرایط متفاوت، تأثیرات گوناگون برجای گذاشته است: در جاهی به تسریع جریان‌های مهاجرت یاری کرده، در مناطقی به صورت عوامل بی‌اثر و خنثی عمل نموده و در جای دیگر، در تغییر مقاصد و یا تسکین موقت آن کارساز شده است.

به نظر ما همین نتایج پراکنده، خود تابع یک نوع نظم پیچیده است که بی‌بردن بدان، بازگشت به منشاء مهاجرت و شناخت مراحل و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از روش‌های مناسب را ضروری می‌سازد.

برای نمونه، یکی از عناصر اعتقادی «صاحب‌نظران تفاوتها» این است که تزریق سرمایه به روستا (سرمایه نقدی، کالاهای - مصرمی، نهاده‌های کشاورزی، عمران و آبادانی، ارائه خدمات، تغییر شیوه‌ها و حتی اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و غیره)، باعث تقلیل تفاوت بین شهر و روستا، افزایش درآمد و رفاه روستائیان و در نتیجه کاهش مهاجرت خواهد شد. اما این داروبه هر کجا تزریق شده به نتایجی پراکنده انجامیده، نه آن شده که نسخه‌نویسان تجویز کرده‌اند و نه بدانجا نایل آمده که برای دارندگان این نظر دارای مفهوم باشد. چرا؟ بدین جهت که تزریق سرمایه در شرایط مختلف اجتماعی، نتایج متفاوت به بار می‌آورد. واقعیتی که در نظریه تفاوتها جایی برای آن منظور نشده است.

اما تنها تفاوتها را به عنوان بخشی از عوامل مؤثر ولی مشروط فرض کردن و بر خصوصیات و عملکرد آنها تأکید نمودن کفایت نمی‌کند، چرا که خود تفاوتها معلول علل مهمتری هستند و اگر از این موضوع با بی‌توجهی بگذریم، به همان چاله‌های درخواهیم غلطید که طرفداران «نظریه تفاوتها» به آن سرنگون شده‌اند، و همانند آنان، نهایتاً از تأثیر معلولها (تفاوتها) بحث خواهیم

منطقه‌ای و ناحیه‌ای، نمود ظاهری این همانندی‌های جمعیتی هستند. به همین مناسبت، شناخت جوامع، مرحله رشد، مناسبات اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن و از آن طریق رابطه بین شهر و روستا و کیفیت‌های ماده‌ی بین آن دو، ضرورت اول شناخت مهاجرت در یک جامعه است.



ادامه مقاله: بررسی سبک‌های جمعیتی در جهان:

زاد بشری تا کنون مشکلات خودش را حل کرده است و آن منطقی خواهد بود که ما فرض کنیم بشر تا کنون با آن همه اشتباهات و خطاهایی که در زندگی خود مرتکب شده است یاد خواهد گرفت که چگونه جمعیت خودش را در یک سطح متعادل و بهینه‌ای نگهدارد و به استانداردهای مطلوب زندگی دست یابد. ما این بهینه‌جویی و مطلوب ساختن سطح زندگی بشر را فقط ربح‌تکولوژی و توقعات فعلی او می‌توانیم درک کنیم. در قرن بیستم و دوم توقعات مردم و سطح تکولوژی چگونه خواهد بود و چه چیزی بوجود خواهد آمد موضوع دیگری است، موضوعی است که پیش‌بینی آن بالاتر از چیزی است که یک نفر بتواند فکرش را بکند. زمانی تعادل بین تعداد جمعیت و منابع به نحو رضایت‌بخشی برقرار شده بود و امروزه اگر رشد جمعیت دوباره از سر گرفته شود پیشرفت‌های سریع علمی این امکان را برآورده می‌کند ولی امروزه این امر غیرمحمول به نظر می‌رسد که یک جامعه بالعی کمیت را بالاتر از کیفیت بداند، بدین معنی که اجازه بدهد جمعیت آن افزایش پیدا کند و مشکلاتی را برای جوامع آنها بوجود آورد و مسلماً چنین جامعه‌ای کیفیت را در تمام جوانب امر رعایت خواهد کرد.

حدس ما در مورد جمعیت آینده دنیا این است که در قرن بیست و یکم جمعیت دنیا هرگز بیش از ۸ یا ۹ میلیارد نفر نخواهد بود، هر چند که بعضی حدس‌ها و نظریات وجود دارند که جمعیت دنیا را در این قرن ۲۵ میلیارد نفر تخمین می‌زنند.

منبع

*Atlas of world population history " colin McEvedy and Richard Jones " " Penguin Boo - Ks' 1978" PP. 343-351.

کرد. در واقع، تفاوت‌های موجود بین شهر و روستا، از سوئی معلول شیوه‌های متفاوت تولیدی، یکی در بهینه کشاورزی روستایی و دیگری در تراکم خدمات و صنعت شهری است. یعنی زندگی غالب کشاورزی و اشتغال به تولید کشاورزی روال معینی از داشته‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را طلب می‌کند که با ارزشها و ویژگیهای شهری و فعالیت‌های فکری، خدماتی و صنعتی مخصوص آن متفاوت است. این تفاوتها، تفاوت دو شیوه زندگی نام دارد و حتی در کشورهای صنعتی نیز به شکلهای باقی است.

از سوی دیگر، تفاوت بین شهر و روستا، مبین دو سطح متمایز بهره‌برداری در یک سیستم و اقتصاد واحد است. به دیگر سخن، تفاوت بین شهر و روستا بیان‌کننده چگونگی مناسبات بین آنها و آن نیز نمود مناسبات اقتصادی و اجتماعی، سیستم تقسیم کار و مرحله رشد هر جامعه است. در مفهوم عام، روستا تولیدکننده و شهر مصرف‌کننده آن تولیدات است و تحت تأثیر این رابطه نابرابر است که انتقال و انباشت تولیدات روستایی و منجمله نیروی کار آن در شهر، به صورت مهاجرت از اولی به دومی، ظاهر می‌شود. به گفته دیگر، می‌توان گفت که روستاها بر اثر تضاد و یا ساده اندیشی و یا نقض برنامه ریزی، در برابر شهرها محکوم به تحمل محرومیت‌هایی شده‌اند، بلکه در طول تاریخ، بازتاب رابطه بهره‌کنشی موجود در کل سیستم اجتماعی، روابط روستا و شهر را از طریق انتقال محصول یکی به دیگری تنظیم کرده و ارائه این روابط، باعث چنین نتایجی شده است و به همین سبب، ضرورت دارد تا موضوع مهاجرت و جابجایی جمعیت، همراه با زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و تغییرات آنها - که در روند مناسبات شهر و روستا بازتاب دارند - به طور هماهنگ مورد مطالعه قرار گیرند و یا به زبان جامعه‌شناسان، « تاریخ و سیاست، تئوریا و ایدئولوژیها، ساختهای اقتصادی، کشاورزی و صنعت، تحولات جمعیت و ... را نباید جداگانه بلکه با در نظر گرفتن ارتباط متقابل که با هم دارند، مورد مطالعه قرار داد ». به بیان دیگر، « همچون اغلب پدیده‌های اجتماعی مهم در زندگی ملتها، مهاجرت‌های داخلی، همیشه ناشی از شرایط تاریخی و یا نتیجه تحولاتی است که خود جزء لاینفک آن می‌باشند ». در واقع، تاریخ مهاجرت در جهان و ایران این سیر تحولات را نشان می‌دهد، چرا که آغاز انقلاب صنعتی (کشاورزی و صنعتی) انگلستان، کشور پیش‌تاز انقلاب صنعتی، با مهاجرت شدید و وسیع روستائیان به شهرها همراه بود و از آن پس این کیفیت در کشورهای صنعتی شده سرمایه‌داری با مشابهت - هائی و در کشورهای سوسیالیستی با اقتصاد برنامه‌ریزی شده با کیفیت‌های دیگر تکرار شده و در کشورهای در حال رشد، با کمیت‌های افزوده و نتایج متفاوت، به پدیده‌ای عام تبدیل گردیده و در حال حاضر، روندهای یکسانی در این کشورها - جهان سوم - در جریان است که تخلیه سریع جمعیت روستاها و متقابلاً تمرکزهای